

نشست‌های برگزار شده در مرکز تحقیقات چین

عنوان نشست: چین و بحران اوکراین

واحد برگزار کننده نشست:	مرکز تحقیقات چین دانشگاه علامه طباطبائی
مسئول نشست:	دکتر غلامعلی چگنی زاده (عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)
تاریخ برگزاری نشست:	۱۴۰۰/۱۲/۲۳
اعضای هیأت علمی:	دکتر محسن شریعتی‌نیا (عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی)
نمایندگان دستگاه‌های اجرایی مرتبط:	دکتر محمد فرهاد کلینی (کارشناس ارشد مسائل استراتژیک)، دکتر مهدی سنایی (سفير سابق ایران در روسیه)
مسئله محوری نشست:	در این نشست به بحث پیرامون چین و بحران اوکراین پرداخته شده است. شاید تحویل اوکراین بیش از این که در صحنه عملیاتی تأثیرات خیلی عمیق داشته باشد؛ به لحاظ فکری و ادبیاتی، حوزه بحث مربوط به روابط قدرت‌های بزرگ، به کارگیری سلاح‌های هسته‌ای و توسل به ناسیونالیسم را به چالش می‌کشد. در بحران اوکراین اتفاقی که رخ داده این است که در این صحنه یک بازیگر ارزش بسیار کلیدی پیدا کرده است و آن بازیگر، کشور چین می‌باشد. چین بنا به دلایل متعددی بازیگری است که می‌تواند تا حد زیادی در نحوه شکل‌گیری الگوی تعاملات قدرت بزرگ، نقش‌آفرینی کند. چین اکنون تنها بازیگری است که پلی بین دو طرف متخاصم می‌باشد و این موضوع برای چین

واحد برگزارکننده نشست:	مرکز تحقیقات چین دانشگاه علامه طباطبائی
	ارزشی بنیادین سیاسی پیدا کرده است و این نقش برای او بسیار حائز اهمیت می‌باشد و شاید بتوان گفت در طول تاریخ، چنین نقشی را به‌ندرت برای قدرت‌های بزرگ دیده باشیم.
	این موضوع بسیار مهم می‌باشد و در ابتدا برای روشن شدن بحث، وضعیت صحنه و نگاه روس‌ها و چینی‌ها نسبت به بحران توضیح داده می‌شود.
سازمان‌های هدف توصیه سیاستی:	وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران

بررسی مسائل مربوط به بحران اوکراین از نگاه روسیه:

روسیه معتقد است که از سال ۲۰۱۴ مورد حمله واقع شده است و در موضع دفاعی قرار دارد. برای فهم بهتر این امر می‌توان به این موضوع اشاره کرد که روسی‌ها و روسیه خود را جز مظلوم‌ترین ملل تاریخ می‌دانند که هیچ‌وقت به هیچ کشوری حمله نکرده‌اند و همیشه مورد حمله قرار گرفته‌اند. این تصویر با تصویری که از روسیه در خارج از جهان روسی وجود دارد، کاملاً متفاوت است. از طرف دیگر، فروپاشی یوگسلاوی در اواخر دهه نود میلادی، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌دهنده روایت روسیه می‌دانند. اعتقاد جدی در این زمینه وجود دارد که تجربه جنگ یوگوسلاوی در فهم روس‌ها از فروپاشی، تعیین‌کننده بوده است.

انگیزه‌ها و ریشه‌های حمله روسیه به اوکراین:

- گفتمان دفاعی: در بحران اوکراین روس‌ها یک گفتمان دفاعی دارند.

نفی دولت‌داری اوکراین توسط روسیه: سیستم منابع روسیه در اوکراین توسط امنیت فدرال - فدرال باقیمانده و رسوب شده از زمان اتحاد شوروی - FSB و نه اطلاعات خارجی روسیه اداره می‌شود. از نگاه جامعه اطلاعاتی روسیه، مسائل اوکراین به‌عنوان محیط خارجی تلقی نمی‌شود؛ بلکه کماکان این شبکه‌ها و اثرگذاری‌ها در چارچوب بطن شوروی تعریف می‌شود. روسیه میدان کی‌یف را بخشی از خود حساب می‌نماید و ترتیب دادن کودتا را یک نوع حمله و هدف قرار دادن خود می‌داند و برداشت آن‌ها

این است که هشت سال تلاش کردند که با غرب بر سر ترتیبات امنیتی در اوکراین و عدم توسعه ناتو، ترتیبات امنیتی اروپای شرقی گفتگو نمایند؛ اما به دلیل عدم موفقیت در این مذاکرات، نهایتاً مجبور به آغاز عملیات نظامی ویژه شده‌اند. پوتین در مقاله مفصلی به شکلی دولت‌داری اوکراین را به دلیل اینکه اوکراینی‌ها با روس‌ها یک ملت واحد و دارای تاریخ واحد هستند، نفی نموده است. درواقع، اصل عمل و کنش روسیه، به دلیل تهدیدی است که داشته است.

• **به حاشیه رفتن روسیه در نظم بین‌الملل**

افزایش قدرت و جایابی جدید روسیه در نظام بین‌الملل، به‌عنوان یکی از انگیزه‌های اصلی روسیه در عملیات نام برده می‌شود. کرملین پیش از حمله احساس می‌کند که بیش از اندازه در حال به حاشیه رفتن در نظم بین‌الملل می‌باشد. از نظر اقتصادی، اقتصاد روسیه جزء اقتصادهای بزرگ و تأثیرگذار دنیا نمی‌باشد و از نظر ژئوپلیتیک نظم نوین بین‌الملل، در حال شکل‌گیری میان آمریکا و چین می‌باشد. در نتیجه روسیه در حال حاشیه رفتن می‌باشد. اگر بخواهیم اهداف متعددی را برای این مناقشه ذکر کنیم؛ می‌توان به پیشنهادهایی که کرملین به ناتو و آمریکا داد، اشاره نمود که روسیه هم باید در محور این نظم باشد و به حاشیه نرود.

• **انتخاب ژئوپلیتیک و دفاع از امنیت روسیه:**

آقای پوتین دست به یک انتخاب ژئوپلیتیک زده است. در واقع این گونه می‌توان تعبیر کرد که پوتین از ضررها و خسارت‌های اقتصادی بزرگ این حمله برای روسیه مطلع بوده است؛ ولی در نهایت تصمیم و برداشت او این گونه بوده که جامعه روسیه به امنیت بیش از اقتصاد نیاز دارد و اکنون امنیت روسیه از طرف ناتو تهدید می‌شود.

• **برتری روسیه: شاید دلیل تصمیم روسیه ریشه در برتری داشتن روسیه دارد.**

پوتین در طول بیست سال حکومت خود در احیای روسیه در همه ابعاد از جمله بعد امنیتی، اقتصادی و قدرت نرم موفق بوده است؛ اما توان و قدرت اصلی روسیه در بعد نظامی و ژئوپلیتیک است؛ بنابراین روسیه با توسل به محاسبات خود دست به انتخاب زد

تا غرب را بر سر این میز بازی بیاورد؛ اما غرب کاملاً عکس‌العمل متفاوتی از خود نشان داد و از بازی ژئوپلیتیک و مقابله اقتصادی و ژئوپلیتیک پرهیز کرد و وارد مبارزه در حوزه قدرت نرم اقتصادی شد.

- چین یکی از اهداف روسیه در حمله به اوکراین بوده است. رابطه چین و روسیه اتحاد استراتژیک نمی‌باشد؛ بلکه شراکت راهبردی است. در تاریخ روابط روسیه و چین سه مرتبه تلاش شده است که اتحاد استراتژیک شکل بگیرد؛ اما این اتفاق روی نداده است. با این وجود، این دو کشور شراکت راهبردی بسیار جدی را داشته‌اند.

- بحث درگیری روسیه در اوکراین و با ناتو و با آمریکا، بحث نظام بین‌الملل می‌باشد. بحث اوکراین در محدوده منطقه‌ای و روابط دو جانبه نمی‌گنجد. باید به موضوع در سطح بین‌الملل نگاه کرد تا بتوان اهداف هر کدام از آن‌ها درک کرد. کاهش دادن درگیری به استقلال دو جمهوری یا ضمیمه نمودن کریمه یا بی‌طرف کردن اوکراین، یک مقدار کوچک پنداشتن قضیه هست و تبعات آن را در نظر نمی‌گیریم.

رفتار روسیه در داخل کشور بعد از حمله نظامی به اوکراین:

- تلاش روسیه بر این بوده است که بحران جدید با اوکراین را در متن جامعه‌ی روسیه وارد نماید. در روزها و هفته اول درگیری، در رسانه‌های روسیه این موضوع همانند عملیات در سوریه به آن نگاه شد. حمله به اوکراین در خبرهای اول نبود و دائماً در مورد آن صحبت نمی‌شد؛ اما با افزایش فشارهای اقتصادی، صحبت در مورد آن بیشتر شد. در واقع تلاش روسیه این است که این موضوع نه به موضوع وحدت ملی تبدیل شود و نه به یک تفرقه و شکاف ملی شود.
- آقای شی جین پینگ شخصاً و به طور خاص در حال پیش بردن مسئله روابط با روسیه است و اعتقاد شی به شراکت راهبردی با روسیه است و در همین راستا، کار دشواری در پیش روی خود دارد تا بتواند در سیستم سیاسی چین این تعادل را ایجاد کند. چون

حرکت مسکو، انتظارات آقای شی جین پینگ از روابط با روسیه را کاملاً به هم زده است.

واکنش جامعه روسیه نسبت به اقدام نظامی علیه اوکراین:

به نظر می‌رسد در محاسباتی که آقای پوتین و کرملین قبل از تصمیم‌گیری داشته‌اند، جمع زیادی از این تصمیم باخبر نبوده‌اند. در برخورد با بحران اوکراین، جامعه‌ی روسی به سه دسته تقسیم شده است:

- **نخبگان معترض؛** که تعداد آن‌ها کم نیست.
- **جامعه وسط و میانه ساکت**
- **جامعه طرفدار دیالوگ و گفت‌وگو دفاعی؛** کسانی که به آقای پوتین ایمان راسخ دارد

و معتقدند که تصمیمات آقای پوتین همیشه سنجیده بوده است.

روسیه در عملیات خود علیه اوکراین، سناریوی حداکثری را انتخاب کرد که تردید جامعه روسی در ضرورت همین هست که اگر اوکراین بخشی از روسیه است، چطور ممکن است در مورد بخشی از ملت، چنین تصمیمی را گرفت؟ بنابراین این یک موضوع بسیار پیچیده است؛ بخشی از ملت که محلی از تهدیدها شده و ناتو در آنجا در حال گسترش است و به هیچ وجه به مصالحه با روسیه تن نداده است.

آثار، نتایج و تبعات بحران اوکراین برای روسیه:

- **ایجاد شوک برای روسیه:** برای روس‌ها بسیار شوکه‌کننده است که چهره روسیه در دنیا مخدوش و تخریب شده است. برای روس‌ها شوکه‌کننده است که ۱۴۱ کشور در سطح سازمان ملل به محکومیت روسیه رأی مثبت دادند. همین‌طور این سطح از تحریم برای روس قابل باور نمی‌باشد. تقریباً به اندازه مجموعه تحریم ایران و روسیه در طول ۱۱ سال تحریم روسیه و ۴۰ سال تحریم ایران می‌باشد. نزدیک به ۶۰۰۰ تحریم که البته احتمال آن می‌رود به ۱۰,۰۰۰ هم برسد. چون اقتصاد روسیه با اقتصاد جامعه بین‌الملل بسیار پیوند دارد و حتماً زمینه‌های تحریم بیشتر وجود دارد.

- پیش‌بینی رفتار روسیه:
با ادامه این مبارزه، روسیه ناچاراً:
 - با وجود برقراری مذاکره، تلاش خود را برای ادامه این بازی در سطح ژئوپلیتیک انجام خواهد داد.
 - سناریوی حداکثری هم در حال حاضر همین است که بتواند اوکراین را تسخیر کند؛ دولت اوکراین را ساقط نمایند و دعوا را با ناتو و آمریکا به سمت لهستان استونی و لتونی و ... ببرند و آن‌ها را بر سر میز مذاکره بکشاند.
 - در مورد میزان موفقیت روسیه و سناریوهایی مثل ساقط کردن دولت و تسلیم و تقسیم اوکراین تردید وجود دارد.
 - حالا که روسیه از لحاظ اقتصادی، تصویر و روایت آسیب زیادی دیده است، تلاش خود را خواهد کرد تا دعوا را به سمت اروپای شرقی ببرد و بتواند در حوزه ژئوپلیتیک، خود را در محور نظام بین‌الملل قرار دهد و این محور را حفظ کند.

دلایل عدم موفقیت روسیه در بحران اوکراین:

می‌توان گفت که روس‌ها در مورد زیر با درصدهای مختلف، دارای محاسبات دقیقی نمی‌باشند:

- شدت تحریم غرب
- کیفیت مواضع چین
- رشد مخالفت در میان نخبگان و روسیه
- اشتباه محاسباتی در مدیریت زمان
- وحدت عمل ناتو
- میزان مقاومت و گستره جنگ
- در ملاحظات روسیه، شدت تحریم غرب جدی گرفته نشد. اگر مذاکرات وزیر خارجه انگلیس با لاوروف را قبل از درگیری نگاه کنید او می‌گوید که انگلیس تحریم می‌کند؛ نمی‌گوید که جهان یعنی جهان آتلانتیک تحریم می‌کند و از این منظر شاهد این هستیم

که به نظر می‌رسد برآورد روس‌ها از پاسخ و واکنشی که در حوزه غرب بود، کامل نبوده است.

- یک بحث دیگر این بود که روس‌ها محاسبه دقیقی از میزان مقاومت اوکراینی‌ها نداشتند. مقاومت و واکنشی که از بُعد نیروی انسانی در شهرهای مختلف دیده می‌شود متفاوت بوده است و دلیل آن به چگونگی شکل‌گیری محیط جمعیتی در درون اوکراین برمی‌گردد و اینکه نسبت آن با روس‌ها و روس ستیزی چه بوده است؟
- موضوع دیگر نگاهی بود که گروه یا سازمان اطلاعاتی روسیه به ابزارسازی و مدیریت جنگ داشت. در داخل گروه، محاسبه آن‌ها این بود که ظرف پنج، شش سال آینده کلاً اسباب‌بازی جنگ با رسیدن به موضوع کوانتوم، لیزر، هوش مصنوعی، تغییر خواهد کرد. این‌ها منجر به این می‌شود که کیفیت تسلیحاتی که روسیه انبار کرده، به یک امتیازی ژئوپلیتیک تبدیل نمود. حتی بینیم بعضی از موشک‌هایی که روسیه در این جنگ استفاده نموده است، دچار اشکال و خطا بوده است چون از موشک‌های قدیمی استفاده کرده است. این موضوع منجر به این شده بود که عملاً روسیه هنوز با آن نیروی اصلی‌اش وارد صحنه جنگ نشود. در این بخش به نظر می‌رسد که روس‌ها سعی کردند که هزینه‌های گذشته خود را تبدیل به یک سرمایه نمایند.

نقش و نگاه غرب و آمریکا به بحران اوکراین:

- در یک سال گذشته و ماه‌های اخیر شاهد افزایش مانورهای دریایی و زمینی بوده‌ایم، در واقع غرب از هیچ‌گونه تحریک و گزندگی برای دامن زدن و تشدید این بحران اجتناب نکرد. دغدغه‌های روسیه را در نظر نگرفت و به هیچ وجه وارد یک گفتگوی جدی با روسیه نشد.
- قبل از شروع جنگ، جامعه اطلاعاتی آمریکا یک جنگ روانی اطلاعاتی را شروع نمود؛ از یک طرف به روسیه می‌گفت تو قصد حمله‌داری و روز چهارشنبه حمله خواهی کرد و از طرف دیگر روسیه می‌گفت من اصلاً قصد حمله ندارم. سؤال مهم که در اینجا

مطرح است این می‌باشد که اگر واقعاً آمریکایی‌ها نسبت به حمله روسیه و اوکراین مطمئن بودند چرا با تأخیر انتقال سلاح به اوکراین را دنبال کردند؟ آیا این به معنای تله‌گذاری و یک دام ژئوپلیتیکی بود که از یک طرف به روسیه خوش آمد بگویند و از یک طرف دیگر روسیه را به یک باتلاق جدید هدایت بکنند و او را از جنگ فوری به سمت جنگ‌های فرسایشی هدایت نمایند؟ از نگاه پوتین این یک جنگ فوری و با یک دست آورده مشخص بود و الان می‌بینیم که این روند تا حدودی کند شده است و علت کند شدن آن الزاماً به سیاست‌های نظامی شویگو (وزیر دفاع روسیه) در جنگ بر نمی‌گردد.

- بحثی مهم دیگر، مدیریت فرض حریف بر اساس درک اطلاعاتی و فهم رفتاری و شواهد سنجی می‌باشد. کنترل پیش‌فرض در بازی‌های استراتژیک بسیار مهم می‌باشد؛ اینکه چگونه می‌توان بر اساس شخصیت‌شناسی، ساختار و منافع و ملاحظات جهشی این جریان را سامان داد و مطلوبیت هدف را شکل داد؟ در واقع می‌توان گفت که آمریکایی‌ها فرض پوتین را به دست آورده بودند.
- موضوع دیگر بحث این بود که روسیه از نگاه غربی وارد ریسک استفاده از سلاح شیمیایی خواهد شد. به همین خاطر این را معادل بحث آزمایشگاه بیولوژیک و یا به اصطلاح سلاح‌های ویروسی می‌دانند که در ۵ نقطه اوکراین مطرح است. گفته می‌شود اسناد آن در یکی از این درگیری‌ها به دست روسیه افتاده است و روسیه قصد دارد این موضوع را به یک افشاگری جدید تبدیل نماید.
- موضوع بعدی این بود که غرب موفق شده بود با بازی‌های خیابانی، تظاهرات، فضاسازی و محدودسازی سایبری، ایزولاسیون را در حوزه دیپلماسی عمومی به روسیه تحمیل نماید و تاکنون نیز در این امر موفق بوده است و روسیه نتوانسته بازی را تغییر دهد.
- عمده‌تأ غرب امروزه چه در حوزه روسیه و چه در حوزه بلاروس از اپوزیسیون سیاسی استفاده می‌نماید. مخالفت‌هایی که اکنون به آن‌ها شکل می‌دهد از طریق ابزارهای NGO نیست و بلکه از طریق پتانسیل‌های موجود در موازنه قدرت می‌باشد.

- بحث دیگر در این خصوص این هست که روایت غرب بر روسیه در دوران جنگ غلبه خواهد نمود و این ارزیابی است که سیا دارد و در صحبت‌های خود مطرح کرده است ما پیروز روایت خواهیم بود.

مزایای بحران اوکراین برای آمریکا:

- در حال حاضر، قدرت اصلی آمریکا می‌باشد. استراتژی آمریکا این بوده است که به چین اجازه تبدیل شدن به یک چالش برای حکومت قطعی و هژمونی خود نشود. این استراتژی یک معضل و مشکل داشت و آن این بود که اگر چین، روسیه را به‌عنوان حمایتگر و به‌عنوان آورده خود در نظام بین‌الملل مطرح می‌کرد، آمریکا دیگر نمی‌توانست این برابری را انجام دهد و مذاکره را به نفع خودش به انجام برساند.
- شرایط فعلی نشان می‌دهد که روسیه کنونی پیش از اینکه کمکی برای چین باشد؛ بلکه به یک سربار برای چین تبدیل شده است؛ یعنی آمریکا با این فضایی که در ارتباط با اوکراین و درگیری اوکراین و روسیه به وجود آمده است، روسیه را از پشت چین خالی کرده است و چین در مقابله با آمریکا ضعیف‌تر شده است؛ بنابراین با این استراتژی چین مجبور است یک بخشی از آن اهداف و جاه‌طلبی‌های خود را بازنگری کند.
- با توجه به محدودیت‌هایی که روی روسیه اعمال شده است، کف و سقف دستاورد مادی روسیه مشخص شده است. البته به شرطی که فرض را بر آن بگیریم که روس‌ها در ارتباط با اوکراین آنچه را که در توان داشته‌اند را ارائه داده‌اند؛ اما اگر روسیه بتواند موضوع انرژی و ارتباط خود با اروپا را به یک موضوع سیاسی تبدیل نماید، احتمالاً روس‌ها دستاوردهای زیادی می‌توانند به دست آورند.

موضع چین در بحران اوکراین:

- چین از لحاظ سیاسی، روسیه را همراهی کرده است - که شبیه واکنش چین در قبال ایران می‌باشد - ناتو و غرب را نقد کرده و آن‌ها را عامل اصلی این مشکل و پدیدآورنده این بحران معرفی نموده است که امنیت روسیه را تهدید کرده‌اند.

- از طرف دیگر، چین حاکمیت و تمامیت ارضی اوکراین را به رسمیت شناخته و از پیشنهاد فرانسه و آلمان برای حل دیپلماتیک بحران استقبال کرده است و در سازمان ملل هم رأی ممتنع داده و مهم‌تر از آن که به روس‌ها اعلام کرده‌اند که دو بانک اصلی چین با روس‌ها کار نخواهند کرد و طبیعتاً به سمت نوع کاری که با ایران انجام می‌دهند، خواهند رفت.
- چین طرح پنج ماده‌ای را ارائه کرده است؛ دو ماده اول این طرح بسیار مهم است چون در ماده اول می‌گوید انسجام سرزمینی اوکراین و همه کشورها یک اولویت برای چین می‌باشد. در ماده ۲ می‌گوید که گسترش ناتو به شرق مشکلات جدی ایجاد کرده است. به نظر من این دو ماده به ما می‌گوید که حداقل در سیاست اعلامی، چینی‌ها چه رویکردی را انتخاب کردند و هر چه از بحران می‌گذرد به نظر می‌رسد حرکت چینی‌ها از حمایت بیشتر از روسیه به سمت نقطه‌ای بین روسیه و غرب می‌رود. این طور به نظر می‌رسد که چینی‌ها به قدری به تدریج از روسیه فاصله خواهند گرفت.
- از طرف چینی‌ها یک حمایت سیاسی بسیار آرام و محتاطانه از روسیه شکل گرفته است و چینی‌ها هنوز در حال بررسی این مسئله هستند که چگونه می‌توانند هم به نوعی حمایت سیاسی خود را از روسیه حفظ نمایند و هم تأثیرات منفی این جریان بر منافع چین را به حداقل برسانند. چینی‌ها به شدت اصرار دارند که به عنوان تهییج‌کننده اصل اقدام روسیه در محیط بین‌المللی معرفی نشوند.
- می‌توان اسم این اقدام چین را یک نوع هم‌سویی محتاطانه نام‌گذاری کرد. این هم‌سویی محتاطانه، ریشه‌هایی در همکاری یا شراکت راهبردی چینی‌ها با روسیه دارد که در ۴ فوریه بیانیه مشترکی بین پوتین و شی را شاهد بودیم و در آنجا مواضع خود را به صراحت بیان کردند:
- روسیه به نفع مواضع چین در بحث تایوان و پسفیک و محکومیت اعتراف‌سازی‌های آمریکا در منطقه پسفیک موضع می‌گیرد.
- هر دو مخالفت خود را با گسترش ناتو اعلام نمودند.

- امضا سند همکاری، جهش جدی در مبادلات دو کشور

- موضع چین کمتر از انتظار روس‌ها بوده است. اکنون چین در دوراهی بین روابط کمتر خصمانه با غرب یا حمایت و اتصال به رفتارهای روسیه قرار دارد که کار بسیار دشواری می‌باشد. در نهایت، می‌توان به این نتیجه رسید که چینی‌ها منافع خود را در اولویت قرار خواهند داد و وارد بازی ژئوپلیتیک نخواهد شد و در همان بازی اقتصادی و رعایت منافع ملی چین باقی خواهند ماند.

در سطح رسانه‌ای:

- در شبکه‌های اجتماعی چین، مسیر اصلی حمایت از روسیه بوده است. البته نه از کار و اقدام روسیه، بلکه در راستای ضربه زدن به آمریکا به عنوان یک عامل تعریف شده است.
- یک جریان اقلیت هم در شبکه‌های اجتماعی چین وجود دارد که کنش روسیه را محکوم کرده است و به آن واکنش نشان داده است که آن جریان لیبرالی در چین می‌باشد. گفته می‌شود چین بزرگ‌ترین جریان لیبرال خاموش در دنیا را دارد.
- پلیس اینترنت چین وارد عمل شده و در واقع دارد علیه کامنت‌های ضد روسی و حذف آن‌ها و حمایت از کامنت‌های ضد آمریکایی عمل می‌کند.

در سطح آکادمیک:

دانشگاه رنمین و فودان از دانشگاه‌های اصلی روابط بین‌المللی چین هستند. دانشگاه ریون، به حزب کمونیست چین بسیار نزدیک می‌باشد. در فضای آکادمیک ۳ پیش‌بینی جنجال‌برانگیز در این دو دانشگاه صورت گرفته است:

- یک استاد مشهور در دانشگاه رنمین گفت که روسیه اصلاً حمله نخواهد کرد. زمانی که خلاف این موضوع علنی شد، این استاد معذرت‌خواهی کرد و اشتباه خود را پذیرفت.
- یکی از اساتید دانشگاه فودان گفت، مدلی را در مورد رفتار دولت‌ها توسعه داده است: بر اساس این مدل، پیش‌بینی او این بود که در ماه می روسیه یک حمله اساسی به اوکراین خواهند داشت.

- پیش‌بینی سوم این بود که روسیه به استقلال این مناطق بسنده می‌کند و خیلی جلو نمی‌رود.
- طبق بررسی‌های صورت گرفته، مراکز تحقیقاتی چین در مجموعه جلساتی که تا پیش از حمله برگزار نموده‌اند، در هیچ جلسه‌ای پیش‌بینی خیلی روشنی از حمله روسیه به اوکراین نداشته‌اند.
- به همین دلیل بعضی‌ها می‌گویند که سیستم اطلاعاتی چین نتوانسته آقای شی را روشن نماید و نتوانسته یک برآوردی از کار روس‌ها داشته باشد.

جریان‌های مشاهده شده در چین:

دو جریان را در چین داریم که این‌ها نشان از ایجاد شکاف در میان نخبگان سیاسی چین دارد:

- **تندروها و ملی‌گرایان** خاص دوره شی جین پینگ و متأثر از ایده‌های شی جین پینگ: گرایش آن‌ها به سمت روسیه قوی‌تر می‌باشد. ما شاهد ظهور یک نسل جدیدی از نخبگان سیاسی در چین هستیم که عمدتاً جوان و هواخواه ناسیونالیسم به سبک شی جین پینگ هستند.
- بقیه کسانی هستند که معتقدند اتفاقاً پکن باید از این فرصت برای کاهش تنش‌ها با غرب استفاده کند.

این شکاف، میان سیاستمدارانی در چین که دغدغه آن‌ها روابط چین با بقیه قدرت‌ها می‌باشد یا تکنوکرات‌های اقتصادی و به‌طور سنتی دیپلماتیک‌های چینی و وزارت امور خارجه چین که موضع لیبرال و جهان‌گرا داشته‌اند؛ دیده می‌شود. آن‌هایی که بیشتر متأثر از فضای ایدئولوژیک و حزبی هستند و می‌خواهند جایگاه خود را در سلسله مراتب حزبی متأثر از این بحث تقویت نمایند

واکنش جامعه چینی در قبال بحران اوکراین:

نارضایتی از رفتار روسیه و حمله روسیه به اوکراین انعکاس‌هایی هم داشته است از جمله ۵ صاحب‌نظر چینی یک بیانیه‌ای را منتشر کرده‌اند و مخالفت صریح خود را با این حمله اعلام نمودند و آن را خلاف اصول بین‌المللی، تمامیت ارضی و نظم بین‌المللی مطرح کردند. این مخالفت‌ها به‌نوعی عملاً وارد فضای عمومی شده است ولی همچنان تلاش شده که این را مدیریت نمایند.

ملاحظات چین در بحران اوکراین:

- اول از همه اینکه نخبگان چینی هنوز دهه ۱۹۶۰ از یاد نبرده‌اند. سیاست توسعه‌طلبانه اتحاد جماهیر شوروی و در واقع روسیه که بارها و بارها با این سیاست و کمک به جنبش‌های تجزیه‌طلبانه به چین ضربه زده است. هرگونه حمایت از سیاست تجزیه‌طلبی برای چینی‌ها یک خط قرمز می‌باشد چینی‌ها با این بدعت نامطلوبی که روسیه در حال ایجاد آن است، مشکل بنیانی دارند.
- شوروی و روسیه از جنبش استقلال مغولستان حمایت کرده‌اند و مغولستان خارجی به مدت طولانی جزو اقمار شوروی شد. در سال ۱۹۳۴ اشغال سین‌کیانگ را از طرف شوروی داریم و در سال ۱۹۴۴ مسکو از جمهوری‌های دوم ترکستان شرقی حمایت می‌کرده است و شاهد اشغال منچوری در سال ۱۹۴۵-۱۹۴۶ هستیم.
- چینی‌ها با اروپایی قاره‌ای هیچ مشکلی ندارند. چین در مورد بحران اوکراین به صورت جدی ملاحظه اروپا را دارد. این کشور روابط اقتصادی بسیار گسترده با اروپا دارد و از حساسیت اروپا نسبت به بحران اوکراین خبر دارد چین همیشه سعی کرده است که در تعمیق مناسبات اقتصادی با اروپا حسن نیت خود را به اروپا نشان دهد و کاری نکند که اروپای قاره‌ای وارد منازعه آمریکا و چین نشود و این برای چینی‌ها بسیار مهم است. دغدغه مهم چینی‌ها در این جریان این می‌باشد که چگونه می‌توان در این بحران، حد

وسط و تعادل میان مطلوب‌های خود ایجاد نمایند. در واقع چگونه می‌توان جای تعادلی در این بحران شکل دهند؟

- کنگره بیستم حزب کمونیست در اکتبر ۲۰۲۲ برگزار خواهد شد. چینی‌ها هم در داخل و هم در مناسبات بین‌المللی خود، بیش از هر چیزی نیاز به ثبات دارند و در آستانه این کنگره شرایط پیش آمده، کار را برای چین در این مسیر دشوار کرده است.
- چین در این تصمیم دشواری که در پیش داشته و دارد سعی نموده است که فاصله خود را از آمال روسیه حفظ کند و با هر زبانی تلاش می‌کند تا چین و روسیه را به‌عنوان دو شریک معرفی نماید و نه متحد استراتژیک. چینی‌ها می‌خواهند این را جا بیندازند که در بحران اوکراین یک موضع کاملاً مستقل چینی دارند و نه موضع روسی.
- مسئله نامطلوب و ملاحظه دیگر چینی‌ها در این بحران، تحریم‌های روسیه می‌باشد. تحولاتی قیمتی کالاها، نفت و انرژی در دنیا قطعاً می‌تواند بر رشد اقتصادی چین تأثیرگذار باشد.
- چین ملاحظه عدم ورود کامل جامعه بین‌الملل، به جنگ و مناقشه را دارد و به دلایل مختلف با ملاحظه کاری رفتار کرده است.
- چین خواهان حفظ نظم موجود بین‌المللی می‌باشد و کلاً موضع مثبتی نسبت به تغییر ساختار در نظام بین‌الملل نداشته است. چینی‌ها با هر گونه تغییر شگرف در نظم بین‌المللی و تغییر انقلابی فعلاً مخالفت دارند و اینکه تا اطلاع ثانوی و تا جایی که بتوانند، از ورود به حوزه منازعات ژئوپلیتیک پرهیز می‌کنند.
- چین به‌عنوان یک قدرت ژئواکونومیک در این نظم بین‌المللی جدید (نظم بین‌المللی لیبرال)، خیلی تنیده شده است و به نظر می‌رسد که حرکت چین و یا اولویت چین این هست که نظم بین‌المللی لیبرال را از تهاجمی به تدافعی تغییر بدهد.
- این که چین در ماه‌های آینده، چه توازنی بین مسئولیت بین‌الملل خود و منافع خود برقرار می‌کند، در درک نگاه چین بسیار مهم است.

- چینی‌ها از انتقادات صریح از مسکو راجع به این حمله اجتناب کردند و خیلی تلاش کردن یک حد توازنی را حفظ کنند و در سکوت به تقویت قدرت، منافع سیاسی و اقتصادی خود از قبل این بحران ادامه دهند

دوراهی چین:

در مورد پیامدها به نظر من چین بین منافع ملی و مسئولیت‌های بین‌المللی خود گیر افتاده است. یک سطح مسئله چین، منافع ملی خود محور او می‌باشد و دیگری نقشی است او در سیستم به‌عنوان قدرت بزرگ و نقش مدیریتی می‌باشد.

آیا چین از حمله نظامی روسیه به اوکراین مطلع بوده است؟

- از جمله محاسبات این است که یک بلوک شرقی به وجود آمده است و یک راهبرد شرقی بین روسیه و چین در حال شکل‌گیری می‌باشد و بسیاری معتقد هستند که آقای پوتین برای هماهنگی و اطمینان به پکن رفته بوده است.
- از طرف دیگر، این بحث در حال تغییر جهت می‌باشد؛ گفته می‌شود که آقای پوتین در واقع چینی‌ها را هم فریب داده است. یک مسئله‌ای در داخل چین برای آقای شی جین پینگ به وجود آمده است که در واقع در مذاکرات با پوتین خیلی موفق نبوده است و آقای شی اشتباه کرده است. گفتن اینکه آقای شی جین پینگ اشتباه کرده است در چین کار دشواری است ولی این بحث در رسانه‌ها قدری مطرح می‌شود.
- این‌طور به نظر می‌رسد که روس‌ها حتماً چینی‌ها را در مورد حمله به اوکراین مطلع نموده بودند، اما وعده تمام نمودن مسئله در ۳ الی ۴ روز را به چین داده بودند. چینی‌ها ظرفیت ادامه‌دار بودن مشکل نداشتند و لذا بعد از ۵-۴ روز، چینی‌ها در حال برگرداندن خود به شرایط جدید هستند؛ زیرا احساس می‌کنند روس‌ها یک شکست جدی عملیاتی، اطلاعاتی و مدیریتی خورده‌اند و از خود یک وجه بسیار ضعیف نشان داده‌اند. البته این ضعف مدیریتی سابقه‌دار است؛ در زلزله ارمنستان در سال ۶۴-۶۳ شمسی، روس‌ها یک مدیریت بسیار ضعیف از خود نشان دادند؛ در چرنوبل نیز عملکرد ضعیفی داشتند و بیان

شده است کشوری که در زلزله این گونه رفتار نماید، چگونه می‌تواند در بمب اتم برای کمک و امدادرسانی واکنش نشان دهد.

- پس با توجه به واکنش ضعیف روسیه در حادثه زلزله، چرنوبیل و همچنین بحران اوکراین، این موضوع مشخص هست که روسیه واقعاً کشوری نیست که بشود از آن مدیریت را یاد گرفت.

چشم‌انداز رفتار چین:

- رفتار چین تاکنون در این بحران در تداوم سنت سیاست خارجی چین بعد از اصلاحات و سیاست درهای باز قرار دارد. چینی‌ها خیلی متفاوت از رفتاری که در مورد بحران‌های بین‌المللی داشتند، در این بحران عمل نکرده‌اند و در تداوم سیاست خارجی آن می‌باشد.
- این‌طور به نظر می‌رسد که چین حرکت را در جایی، رسیدن به نقطه‌ای بین روسیه و غرب متوقف می‌نماید و در آنجا سیاست خارجی چین یک لنگری پیدا می‌کند.

چین و بحث تایوان:

- یک مسئله راجع به تایوان در روزهای اخیر مطرح شد که آیا چین از این فرصت استفاده خواهد کرد تا بحث تایوان را تعیین تکلیف نماید. بعضی‌ها می‌گویند بهترین فرصت برای چین می‌باشد تا تکلیف تایوان را مشخص نماید.
- دیپلمات‌های چینی که چهره لیبرال حاکمیت چین را تشکیل می‌دهند و سعی کرده‌اند با لحن متوازن خیال غرب را از این مسئله راحت کنند تا دله‌ره عملیات نظامی علیه تایوان در این شرایط را نداشته باشند. چیزی که واقعاً یک کابوس غیر قابل تحمل برای غربی می‌باشد
- در این روزها چین و تایوان با دقت واکنش ناتو و آمریکا را به این تحولات و تحریم روسیه پایش می‌نمایند؛ زیرا برای هر دو آن‌ها بسیار مهم می‌باشد.

- تایوانی‌ها سعی کردند که توجه غرب را به این مسئله جلب کنند که این شرایط می‌تواند خطرناک باشد یک شعار این روزها در تایوان مرتب مطرح می‌شده است که «امروز او کراین، فردا تایوان».

چین و مدیریت تحریم‌ها:

نکته دیگر این است که چین در شرایط جدید چقدر می‌تواند وضعیت را مدیریت نماید و در بحث تحریم چگونه عمل می‌کند؟

- واقعیتی است که اگر چین در موضوع تحریم روسیه، به صورت de-facto عمل بکند، نظام تحریم آمریکا تقریباً از هم می‌پاشد. آمریکایی‌ها با استفاده از هیمنه و بهره‌گیری ابزاری از تهدید معتبر تحریمی در جهان که تاکنون از آن در بازی‌های نرم و نیمه‌سخت‌شان استفاده نموده‌اند، محروم خواهند شد و این می‌تواند یک وضعیت خاص ایجاد نماید.

- نظام بانکی چین برای روسیه بسیار اهمیت دارد. ۱۳ درصد مجموع ذخایر ارزی بانک مرکزی روسیه در چین می‌باشد که بالاترین میزان در تمام کشورهای دنیا است. روسیه بیشتر علاقه دارد از سیستم پرداخت چین استفاده نمایند. ولی مشخص نیست که این سیستم چقدر می‌تواند به روس‌ها کمک نماید زیرا بانک‌های بزرگ چین کار را متوقف کردند و یا بسیار محدود نمودند.

- روس‌ها یکی از اعضای اصلی بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت هستند که تمام قراردادهای با روس‌ها را به حالت تعلیق درآورده است. به نظر می‌رسد چینی‌ها در تداوم گذشته، شانگهای را از این قضیه دور نگه داشته‌اند.

- از نظر تجاری، چین ۲۰ درصد کل تجارت خارجی روسیه را در اختیار دارد و ۲۰ درصد واردات انرژی چین از روسیه می‌باشد. این خیلی مهم است که روسیه در دو دهه گذشته بیشترین رشد را در سبد انرژی چین داشته است و به نوعی جایگزین کشور ما شده است. اگر ما کامل سقوط کردیم و از ۱۳ به ۲ رسیده‌ایم، روس‌ها از ۱ به ۲۰ رسیده‌اند.

فصل دوم : توصیه‌های سیاستی نشست‌ها به تفکیک ... ۳۹۰

پرسشی که وجود دارد این است که اکنون برای این ۲۰ درصد چه اتفاقی خواهد افتاد؟

- اگر صنعت نفت روسیه تحریم شود، این تحریم به خریداران چینی گسترش پیدا می‌کند چینی‌ها به راحتی نمی‌توانند از تحریم صنعت نفت روسیه بگذرند.

- اما کل روابط تجاری چین با روسیه حدود ۱۴۰ میلیارد دلار است که در برابر روابط تریلیون دلاری که با اتحادیه اروپا دارد، ناچیز است.

- در دو ماه گذشته رابطه تجاری چین یعنی در ۲۰۲۲ نسبت به ۲۰۲۱، ۴۵ درصد رشد کرده است که بعضی‌ها این را یک گشایشی می‌دانند که چینی‌ها به روس‌ها داده‌اند.

- چینی‌ها در حوزه تجاری دو کار را تاکنون انجام دادند:

- محدودیت‌ها بر واردات غلات از روسیه را به صورت کاملاً حذف و بازار را باز کردند.

- و دیگری اینکه هسته اقتصادی چین یعنی سیستم بانکی چین، در حال محدودسازی ارتباط خود با روسیه می‌باشد.

- هسته نظام تحریمی که علیه روسیه اعمال شده، بر تحریم بانک‌های روسیه پابرجا می‌باشد و اینجا نقش چین، نقش بسیار مهمی هست. هنوز زود است که بتوان پیش‌بینی نمود که چینی‌ها واقعاً در عمل چگونه رفتار خواهند کرد. ولی به نظر می‌رسد دست سیستم بانکی چین در این زمینه چندان باز نباشد.

- در حوزه سرمایه‌گذاری، شرکت‌های چینی در مذاکرات اولیه با شرکت‌های معدنی روسی به خصوص در حوزه آلومینیوم وارد شده‌اند. این بحث‌هایی هست که خود روسیه می‌گوید ولی چینی‌ها خیلی در این حوزه بحث نکرده‌اند.

نتایج (سود و زیان) بحران اوکراین برای چین:

این موضوع در سه سطح قابل بررسی می‌باشد:

- سطح بین‌الملل:

- **سود:** چین در سطح بین‌الملل یک سود برده است و آن هم این است که آمریکا توجه کامل خود را از روی چین برداشته است در یک سال اخیر توجه کامل آمریکا به سمت چین بوده است و اینکه دعوا و مناقشه در حال رفتن به حوزه چین می‌باشد و خاورمیانه در سیاست خارجی آمریکا در حال کم‌رنج شدن می‌باشد. نمی‌توان گفت که چین از حوزه نگاه امنیتی و تهدید آمریکا خارج شده است ولی قطعاً اروپا هم تبدیل به یک دغدغه برای آمریکا شده و چین از هدف بودن انحصاری خارج شده است.

کاملاً مشخص است حرکتی روسیه در اوکراین، وزن نگرانی غرب به خصوص آمریکا را از روی چین سبک می‌کند و بهترین سناریو برای این چینی‌ها این هست که سرشاخ بودن روسیه با غرب که یک فضا و زمان لازم را برای توسعه قدرت و نفوذ چین فراهم می‌کند، تداوم داشته باشد تا جایی که شرایط، مدیریت شده و کنترل شده باشد.

- **زیان:** اما در واقع یک ضرر استراتژیک و راهبردی کرده است و آن هم خسارتی است که بلوک شرق و شرق و راهبرد شرقی متحمل شده است.

- سطح منطقه‌ای:

- در حوزه منطقه‌ای چین برنده بوده است؛ چون رقیب اصلی روسیه در حوزه اوراسیا بوده است قطعاً روسیه نسبت به طرح معروف چین احساس رقابت می‌کرد اتحادیه اقتصادی اوراسیا و اوراسیای بزرگی که توسط روسیه مطرح شده است یکی از دلایل آن محدود کردن چین بوده است.

فصل دوم: توصیه‌های سیاستی نشست‌ها به تفکیک ... ۳۹۲

- انتخاب بین چین یا روسیه در کشورهایمانند قزاقستان و قرقیزستان، به سطح نظرسنجی رسیده است که در این وضعیت با تضعیف روسیه، نقش چین در حوزه منطقه‌ای افزایش پیدا می‌کند.
- سطح دوجانبه با روسیه:
 - اما در حوزه دوجانبه، بسیار پارادوکسیکال می‌باشد. اینکه از جهتی روسیه به چین نیازمندتر شده است و از جهتی فشار غرب بر چین برای اجتناب از روابط با روسیه افزایش پیدا خواهد کرد.
 - بنابراین روابط اقتصادی چین و روسیه در سطح رسمی محدود خواهد شد و در سطوح غیر رسمی حتماً افزایش پیدا خواهد کرد.
 - تنش بیشتر در روابط مسکو با غرب و تحریم‌هایی متداوم، می‌تواند مسکو را که چاره و گریز دیگری ندارد به یکی از اقمار اقتصادی چین تبدیل نماید. این برای چین اهمیت دارد و اهرم و نفوذ بیشتری در روابط دوجانبه به چین می‌دهد و این غلتیدن مسکو به دامن چینی‌ها در بعد اقتصادی می‌تواند حلقه مهمی در تکمیل زنجیره قدرت چین در جهان تلقی شود
 - و اینکه نهایتاً کدام یک از این‌ها، در وزن روابط تأثیر خواهد گذاشت؟ آیا کاهش پیدا خواهد کرد، یا در همین حد حفظ خواهد کرد و یا افزایش پیدا خواهد شد؟ و دقیقاً بستگی به این دارد که بحران کنونی اوکراین با چه سناریویی، ختم خواهد شد. در واقع آن‌ها تعیین‌کننده هستند که نهایتاً چین چه حساب جدیدی بر روی روسیه باز خواهند کرد و روابط روسیه و چین در سطح دوجانبه به کجا خواهد کشید.

نتیجه‌گیری:

- بر اساس اطلاعاتی به دست آمده از جلسات هیئت حاکمه حزب کمونیست، نهایتاً به رغم چالش‌های این بحران برای چین، جمع‌بندی به این صورت بوده است که

فرصت‌های این بحران برای چین بیشتر از چالش‌های آن هست. در این جلسات مطرح شده که این منازعه می‌تواند ده سال فضای اضافی تنفسی با فشارهای کمتر برای چین ایجاد کند تا چین به اهداف خود در چارچوب ۲۰۳۵ برسد.

- این بحران ارزش ژئوپلیتیک و استراتژیک چین را برای باقی بازیگران بیش از پیش نمایان کرده است. اکنون چین در موقعیتی هست که اگر بتواند رفتار خود را به‌خوبی تنظیم کند، می‌تواند به عنوان تغییردهنده بازی Game Changer مطرح باشد و فضا را تغییر دهد.

- از یک طرف خط قرمز چین، زمین خوردن روسیه خواهد بود، همچنان که خط قرمز چینی این بود که ایران کامل زمین بخورد و از طرف دیگر سعی می‌کند یک روزنه‌ای از همکاری‌ها و امکانات را با روسیه باز کنند که هم منافع اقتصادی‌شان تأمین شود و هم بیش از حد تحت تأثیر فشارها قرار نگیرند.

- آقای شی جین پینگ از قبل دستور قاطعی به بدنه تکنوکرات و بروکراتیک چین صادر نموده بود که در مذاکرات اقتصادی با روسیه خیلی سختگیری نکنند و سعی در پیش بردن کارها نمایند. برای اینکه روسیه به‌طور کامل در این بحران دچار مشکل نشود، آقای شی جین پینگ شخصاً این ماجرا را پیش می‌برد.

- به لحاظ اقتصادی قرارداد ۴۰۰ میلیارد دلاری که چینی‌ها با روسیه برای گاز امضا کرده‌اند، می‌تواند متأثر از این تحریم‌ها - اگر تحریم‌های ثانویه بر انرژی روسیه اعمال نشود - شرایط مناسب‌تر برای دسترسی راحت‌تر و ارزان‌تر چینی‌ها به این منابع و هم بازار مساعد روسیه در حوزه تکنولوژی و فناوری کالا فراهم کند.

- مسئله دیگر این هست با توجه به دشواری‌ها و تبعاتی که تحریم‌های روسیه بر اقتصاد بین‌الملل و برای غرب داشته و با توجه به درهم‌تنیدگی اقتصادی چین و آمریکا این پیام را خواهد رساند که تحریم چین متأثر از رفتاری که چین ممکن است در آینده در قبال تایوان یا هر مسئله دیگری داشته باشد، کار ساده‌ای نخواهد بود و این برداشت در فضای بین‌الملل به نوعی به نفع چین خواهد بود.

- روابط نزدیک‌تر روسیه با چین پیامدهایی برای غربی‌ها دارد و می‌تواند موضع چین را در آینده در فضایی که به اهداف کوتاه‌مدت خود دست پیدا بکنند، تهاجمی‌تر می‌نماید و جرأت و جسارت چین را بیشتر کند. به هر حال چینی‌ها از این موضوع غافل نیستند؛ به عنوان مثال در بحث ناتو در مفهوم ناتو ۲۰۲۲ به چین پرداخته شد و فضایی ایجاد می‌شد که ناتو را به نوعی درگیر بحث چین نمایند که متأثر از این فضا فعلاً چین از این مسئله خلاص شده است. به هر حال چین خرسند می‌شود که امریکا و ناتو در بحران اوکراین بی‌اعتبار شوند و این سست شدن ائتلاف‌های منطقه‌ای که امریکا در پسفیک علیه چین شکل می‌داد سبب به عنوان یک تحول مطلوب برای چینی‌ها عملاً رخ دهد.
- نهایتاً چینی‌ها همیشه چشم‌داشتی جدی به تکنولوژی نظامی روسیه داشتند و همواره روس‌ها مقاومت کرده‌اند که در این حوزه با چینی‌ها همکاری نمایند و به خاطر اینکه می‌دانند چینی‌ها بلافاصله با توان بالای صنعتی و تولیدی که دارند می‌توانند آن‌ها را بومی‌سازی کنند و خودشان صاحب آن‌ها شوند، اکنون زمینه استفاده از فناوری نظامی روسیه برای چینی‌ها با توجه به شرایطی که روسیه دارد فراهم‌تر خواهد بود.
- به هر حال ایجاد توازن در رفتار چین بسیار دشوار هست و واقعاً برای آن‌ها معمای است که زمان می‌برد تا مشخص شود چگونه می‌خواهند این را کنترل کنند.

• تزلزل در نظام Bretton Woods:

- نتیجه این بحران برای روس‌ها هرچه باشد، ما شاهد تزلزل در نظام Bretton Woods خواهیم بود.
- اگر چینی بتوانند این اتفاق را رقم بزنند و نقش یوان بتواند در سطح بین‌المللی با دلار یک توازن جدید پیدا کند، چین برنده این قضیه خواهد بود؛ یعنی نظام بین‌الملل را از مداری که اکنون در آن هست، به سمت مدار جدید حرکت می‌دهد. این مدار جدیدتر آن چیزی است که استراتژیست‌های چینی به آن خوب نگاه می‌کنند.
- در این جریان اگر چینی‌ها بتوانند نظام اقتصاد بین‌الملل را از مدار دلار خارج کنند و به یک مدار جدیدتری برسانند، پیش‌بینی می‌شود که چینی‌ها برنده این جریان خواهند بود.